

تربیت

صاحب اسباز دکار الملک میرد رسپه یاسی

روزنامه آزاد هفتگی

تجلیه دوم شمس جمادی الاولی ۱۳۲۲ هجری

ششم ژوئیه ماه فرنگی ۱۹۰۵ میلادی

قیمت هفت مزد بهر جاد بهای است **مزد سیصد و شصت و هشتم** سالانه در بهین پای تحت پانزده هزار تاج

در سایر ولایات داخله سیصد هزار دینار در تمام روسیه چهار تاج در تمام هندوستان هشت روپیه در تمام فرنگ و مالک عثمانی و مصر و فرانک

در در آن خلافت طهران طبع شود جریده علمی و ادبی و سیاسی **سال هشتم** قیمت اعلان سطر یک نفران اگر کمتر شود تخفیف قیمت دارد

(احتیاج عالم بعلم)

درین نزدیم تو هستیم تحقیقات ثروتی پر دازیم ولی طبعان میدیم که نادره آن مطالب امانت از سانسیم رشته سخن را قطع نکنیم و باید داشت که جمله نامی متعصب هم چندان با اصل کلام بی ربط نیست مخصوصا این مقاله دفع اعتراضی است که باید قبل از تمام کار با آن پدید و غلط کار را از خیال مغلطه بسند ازیم اگر چه امکان ندارد و یک نفر هرگز ندیده بقضای میگذارد

نشان مرسوم است که صدراعضیف و پست چشم را نازک کنیم و گوئیم آبی بیا صد سال پیش که علم ثروت یا اکتونومی نیستیک میخوانیم و ندانیم مگر که او فای فی الله بودیم یا درست فلان و بیشتر بهمان نزدیم بهتر از حالا زندگی میسر کردیم و ازین قبیل حرفها که گاهی ناشی از جهل است و زمانی صادر از غرض بیطامورث افتخار شس جرات جمع و اسباب افراط و تفريط پس حتی المقدور نباید ساکت نشست و راه ایراد را مگر رفقه رفعت شوند که کل یوم یونی شأن هر روز و قضای دارد و هر

تکلفی بعباده مرسوم قرون گذشته از حواج خود بخبر بودند و احسان بسیاری از در دمار میسودند فلان میزد و نید استند و بهمان نمون میشد و میگفتند آن قول را از کجا آورد و ما گفتیم که فرق تمدن و وحشی این است که آن پی با احتیاج خود میرسد و این بغفلت سر میکند باری مقصود از نگارش این فصل اول آن است که باران بنده ناگهانی نش محتاج اند و بگویم معلوم شود که علم تا چه حد در تسلیم تمدن ترقی کرده و بیشتر معارف را در سایر ممالک درجه انداز چیت

پوشیده نباشد که یکی از امراض مزمنه ناخوشی موسوم به آپاندیسیت باشد و ما در اوایل سال ششم تربیت بطور اختصار ذکر کردیم ازین مرض صعب العلاج کردیم و حالا مجدداً گوئیم روده زایدی که آن را ضمیمه گویند و با اندک یک انگشت میباید در آخر روده بزرگ که با اصطلاح طبایر معای غلاظ نامیده میشود واقع است این روده گاهی پسند و میشود و بای در در میگذارد و ابتدا درد در نوبه است یعنی گاهگاه عارض میگردد و بهتر آنکه فوراً عمل می کنند بعبارة آخری شکم را پاره نمایند و روده ضمیمه را

(بقیه شرح حال میکلانتر)

یکی از معاصرین میکلانتر حکایت کرده گوید روزی بکار خانه آن مرد کار فرستم و کار کردن او را تماشا نمودم در صورتی که میکلانتر آن وقت زیاده از شصت سال داشت در یک ربع ساعت آنقدر سنگ مرمر تراشید که در چهار ساعت نفرنگش جوان نمیتواند تراشند و چنان قندی و تنور کار میکرد که من تر لرز بودم و در آن میر رسیدم مجبور خراب بودم و محض یک ضربت یک درو از پستک را که بغضات میجا را انگشت بود میر تراشید چنان بصحت میر تراشید که اگر در آنجا تجا و نینمود کار خراب میشد زیرا که خطای در این قسم کار را نمیتوان باند سکو در مجتبه های کلی اصلاح کرد باری مجتبه حضرت و او در راهم گفتیم میکلانتر با بهین چاپکی و جلالت ساخت و کاری با پستی و درستی پرداخت قدیمی مهارت برداشت و اثری پائیده از خود درین جهان پایدار گذاشت

بریده بردارند و اگر این کار شد مریض در حال آسوده شود و شفا می یابد.
اما اگر طول کشید نوبه باز در یک بهم خواهد شد یعنی در روز و روزی آید
و یک مرتبه مریض را تلف میکند

این مرض همان است که علیحضرت اودار هجتم پادشاه انگلستان و پسر
هندوستان در موقع تاجگذاری خود بدان مبتلا شدند و بدون تغل
یدی علیحضرت آسوده نمود و با صحت و تمامت مزاج تشریفات جلوس
خویش را بر سر سلطنت معمول داشتند اما بودند اشخاصی که مبتلا
باین درد شدند و از پاره کردن شکم ترسیدند و وحشت نمودند و بر روی
جان خود را بر سپهر این بیم معنی گذاشتند و از آنجمله مرحوم میرزا اسمعیل
خان امین الملک بود که در سن جوانی بدروزدگانی نمود

خلاصه سال گذشته جناب میرزا یوسفخان مؤدب الملک و لدمرحوم
میرزا رضاخان معروف بسوریشا رکرفا را خوشی آید و پست شد
و برای معالجه بفرنگ رفت و وقتی رسید که مرض او سخت و علاج
آن بسیار مشکل گشته پس از و رو بسکی از مریضخانه های آن پای تخت
دکتر شاپور از طبای حاذق معروف فرانسه شارالیه را دید و دانست
صعوبت کار با علی در جراحت ولی بدیض اظهار کرده بگذشت وقت قلب او
یک هفته بعد از آنکه در مساکت شد او را بیوشش نمود و شکم را شکافت
دید روده نیمه بکلی آب گشته و در ج آن دمل بزرگی در آمده هیچ دست
و هر سه پرده شکم را بخیه زده مریض را بجای خود خوابانده و بعد از روزی
و مراقبت و مواظبت حال وی بر داخت تا هشت روز بعد کم کم در سختی عارض
بیار شده و در جرت خیلی بالا رفته و کتله شاپو بخواست حتی الاکمال

عل دویم را دیرتر کند ولی چون جان مؤدب الملک را در خطر دید فقط
یک شبانه روز بقوه گاز کشیدن و تزریق ناخوش را نگذاشت
آنگاه او را برای عمل حاضر کرد

چون ازین قبل علما در فرنگ هم کم اتفاق می افتد معینی اعلایا میگذارد
مرض آید و بیهوشیت مبدل با خوشی دیگر گردد باین معنی که روده خورده
دمل شود بلکه در ابتدای در عمل میکنند و در سه هفته بیمار را سالم می نمایند
اما درین مورد روده خورده شده و کار مشکل گشته لهذا دکتر شاپور از دکترهای
بزرگ پاریس عده خواست تا علم و هنر خود را به کاران بنمایند و بر عقیقه
دقت قلب یاران ببینند آید

اشکال این عمل از چند جهت زیاد بود یکی آنکه باید احتیاط نمود که حرکت
نریزد زیرا که فوراً درم صفای حاصل میشود و مریض را هلاک میکند دیگر
آنکه باید در موقعی عمل کرد که بخیه های عمل گذشته جوش خورده باشد و اما
باز جان در معرض خطر است و آخر الامر باید شکم را این قصه
قسمی شکافت که بعد یک پسر مؤذن از نقطه معینه که نشسته و دمل نریزد
پس پیش نشود

آه ازین مشکلات بچاره طبیب که بی اغراق درین موقع بخوابد و فرود نهد
کننده زنده را محال نماید و صحت و تنم عمل هم در ده دقیقه معلوم میشود
باری دکتر شاپو مؤدب الملک را بیوشش کرد و اول بخیه پست
شکم را که تمام عضلات است و سابق عمل کرده بود برداشت و دید که بخیه های
زیر جوش خورده این فقره قدری اسباب امیدواری شده است
که از خطر اولی محفوظ مانده بعد سمت راست شکم را شکافت و دمل را پیدا

نیکوترینا پس بی سالی اغلب اوقات خویش را در شهر فرانس گذرانده و در بلده روم تا آن وقت اقامتی نمود که ایامی معدود ولی پاپ آن زمان بموسوم و صوف
بژول دویم مثل بسیاری از پاپهای پیش از آن مردی صنعت دوست بود لهذا هنرمندان را در کار را تقریباً در سن بی شهرت طلبیده و مخصوصاً باید دانست
که ژول دویم پاپ بعد از کلوون و هم نام داشت طوری متوقی ارباب صنایع پرداخته و با صنعتگران عهد خود به سرای کرده اند که در بزرگی علم گشته
و وجود آن دو همیستی یافته که نویسندگان و گویندگان ایام ایشان و بعد از آن دکره را بکره ژول دویم و کلوون و هم خوانده اند چنانکه در تاریخ یونانیهای
قدیم قسطنطنیه از قرون قبل از میلاد را مانده پیکس میگویند زیرا که پیکس در بزرگی بوده ادبیات و صنایع یونان را زیاده از حد رواج داده و ادب و صاحب
صنعتان مصر خود را تزیین نموده و همچنین در تاریخ روم مانده اول پیش از میلاد را مانده آگوست مینامند و جهت آنکه آگوست از امپراطورهای نامی روم بشمار افتد

کرده بیشتر زده و تقریباً یک بطری چرک متعفن بیرون آمد پس لوله کاوی
در آن شکاف گذاشته که هر قدر چرک متدثر جاتولید شود بیرون آید
و زخم را محکم با پنبه و پارچه نخی مخصوص بسته مریض را بجای خود خوابانید
یک ربع ساعت این عمل طول کشید و باب حیرت و تعجب سایر متعلین شد
بیمار خیلی ضعیف داشت اما دکتر او را در آن روز و شب به دکان نشین
نگهداری نمود اگر چه در جهت بچل و یک درجه و سه عشر رسید و تمام جرا
و اقوام مؤدب الملک دست از جیات او بستند ولی خود دکتر شاپو
امیدوار بود چنانکه روز بعد قدری حالت مریض رو به بودی گذاشت
اما در دو روز بالا رفته و دکتر ملاحظه کرده دید چرک خود را بسینه رسانده و بیمار را
خنه خواهد کرد و ناچار بیرون آتی تا مل او را با طاق جراحی برده و مجدداً مبتلا
بپوشش نموده باین دودند و را شکافه چرک زیاد بیرون آورد و لوله
گذاشته شکاف را بست اما در روز دیگر باز دید چرک هم باین نخته
هم بالا تر از شکاف و روز پیش طبیب حاذق تحیه بصحت کار حکم کرده باز
مریض را بپوشش نمود و دو محل دیگر را شکاف یکی سمت ران دیگر
میان دو دند نزدیک کتف و باین تدبیر از چرک جلوگیری شد و پوشید
ناباشد که این پنج زخم هم بر راه داشت و لوله نخی کاوی بکلفتی فی قلیان
در شکاف فاشتر داده که چرکها بواسطه لوله خارج میشد و بیرون می
نخست و بعد از چهار ماه تمام که همه زوزه زخمها را با دوانای مخصوص دکتر
شت و شومیداد چرک کم شد و طبیب مریض اجازه داد که از بستر
بجاری با بیرون کند و یکاه دیگر طول کشید تا زخمها بتدریج جوش
خورد و زخم بزرگ را هم توانستند بخیه زنند ولی زخم اولی که بخیه آن را

کشید و نند که دوباره بخیه کشند و دکتر گفته است بحال بعد آن را هم بخیه
نزد یا وصله کند و شکم بندی ترتیب داده که تا آن وقت باید مریض همراه
داشت باشد و از حرکت و سواری بخیلی احتیاط نماید آبا حالا
چاکه بگوئیم امروز علم کارهای شبیه معجزه کرد است یکند یا نه آيا چ مرتبه
شکم را پاره کردن موده را زنده نمودن کار آسانی است در صورتیکه
تقریباً دواها است که جناب مؤدب الملک را در دار الحکله طهران صحیح
و سالم می بینیم و شکر میکنیم که خدای تعالی عسر دوا را بداده این
مرد و مرحوم پدرش زیاده از شصت سال است که بابای این وطن خد
میکند و بر ماست که وجود او را مغتنم شماریم و از دیدار و زندگانی وی
مشغوف باشیم

این مقاله را من بزمی نوشتم تا در مطالب دقیقه علمی سهواً اشتباهی
دست نهد و برادران عزیز بر راحت مطالعه کنند و بدانند آدمی تاجه
اندازه محتاج بعلم است و فضیلتی معظّم کار دانش را بجای رسانده و چگونگی
نفوس زکیه را از خطر تشویش پاک میرسانند دشوار هم نوشتن و از
اصطلاحات خاصه علمی اجتناب کردم تا با کسانی بخوانند و بدانند کار در
سایر اقطار حالا از چه قسطه است با وجود این اگر طبیعت مایل بآگاهی
نباشد و نخواهد مختار است هر کس در امور شخصی خود صاحب خستبار
(مدرس مبارکه دارالایمان)

تقریباً چهار ماه می شود که جناب معارف نصاب محترم آقا سید عبدالرضا
فرزند سعادت مند جناب مستطاب ملاذالانام آقای آقا سید مهدی مجتهد
بخیه سیده الله تعالی در محله دروازه قسنوین در خیابان معروف

محبت زیادی داشته و آخر الامر آن بخت هم میلادی را در فترت نامه لونی چهاردهم بخوانند زیرا که در زمان لونی چهاردهم پادشاه مشهور فترت نامه شعرا
و ادبا و فضلا و هنرمندان بزرگ از کتب عدم بر صده وجود قدم گذاشته و ملک فرانسه را بجا بر زده اسر فصل و هنر انباشتند خلاصه در چهار روز کوره طور
بزرگان اهل دانش و کمال اسباب اشتغال امر و سلاطین و پاپای آن از منبر داکنه شده و مهر و محبت آن فرستادن بکار و آنان افکار این مرد فایده بحال
ایشان بخشیده و داده که یک قرن را بهر یک از آنها منسوب نموده و اگر ما هم بخواهیم خود را بچشم و آن مطالب را طرف مستند و انیم خواهیم دانست که در ملک
باین حال بر همین منوال بوده چنانکه شعرا و فضلا و معتمدین و علمای محمود و غزنوی و سلطان سنجر بلوخی آن آدوار را با هم دوشسیر بار نامه از غنوب و از
معاخر و آثار ایشان در پیش چشم و نظر بینند و میگذارد

درجه خوبی و فراوانی است و از تسرار دادنای تازه که زیاده از حد است و بکار حفظ صحت می آید اینک گفته اند پارچه تری روی گوشه ها بکشند که زنبور و کس آنرا آلوده و کثیف نمایند

حرفه درین شهر شاید در سایر بلاد هم اغلب بتقلید است و اصلاً باطنی مفروض و اگر ازین عالم بگذریم و بدید پیغمبر صلی و حقیقت نبی بگویم خواهیم دانست که جناب مستطاب عظام و سلطنت در خدمت تمام انانی بدر راه مجاهد و جانفشانی می رود و از بی فواید و منافعی شخصی میگذرد اما اگر اصول ترقیات کار فرنگ در اینجا نباشد و نتواند بآن صورت منتهی از مقتضای نتیجه گیرند آن دخلی با عظام و سلطنت دارد و نه جناب اخوی هر وقت بنا شد و گل بیار آمد ما هم دست بکار نشید شکار میویم و بهاریه میگویم مقصود این است که جناب مستطاب اجل اکرم اعتماد سلطنت وزیر بلدیه ببارد و اگر باید صد ذرع پرواز کند از هر از ذرع هم بیشتر پریده و تاشته نباشد و اگر عیب جوید و بر سر عمل آید جان خود و عالمی را از خیالات بیوده فارغ نماید

(مکتوب حقایق اسلوب از صفهان)

جناب جلالت اباجل اکرم سیه زامیل خان مصلح سلطنت از امرهای کاروان و بزرگ زادگان با شمت و شان دام جلالت عالی از صفهان باین بنده مرقوم نموده گوید

خدمت . . . ذکار الملک میر روزنامه تربیت . . . عرض میکنم در نزهت سیصد و شصت و هشتم روزنامه تربیت گفته ام جناب عالی که هر حرفش روی تازه بچشم میاید و هر کله اش میاید انداز به نقل میرساند زیارت شد الحق همه را در دست صحیح فرموده اید مطلب اول در باب شتر

و قلاحت و قنات و آباد کردن اراضی و صحادی بایر بود و اظهار داشته بودید که در مالک مادی برابر زمینهای مزرع اراضی لم یزرع است که بجای افتاده و قابل آبادی است درین فقره حساب کرده که تخمیناً ده برابر گشت و لی بنده اقل چون گردش نموده و دید عرض میکنم در ایران در هر دوایق زمین بایر قابل آبادی صد برابر اراضی دایر است بلکه جرات کرده میکنم پانصد برابر میباشند و در همه میتوان قنات و انهار جاری کرد و جز اینکه فعلاً هیچکس شوق اقدام و پیش قدمی ندارد و دو سال قبل این بنده رفتم در سر آب کرن از سپهر ابا می مشور که در زر و کوه بختیار می است و بتحقیق آنجا را باز دید که در برآورد حسیج جاری کردن آن آب را بمقتضای قابل نمودم و عازم طهران شدم و مطلب را بتوسط ادوایی دولت علیه بمحاکمای محضرت شاهی شاه اردو خاندان عرض داشتم و حکم جایز شد که مجلس تحقیق نماید و ادوایی دولت ابد مدت همه متعهد باین کار گشتند و تسرار دادند مجدداً مهندس با شقاق بنده برای باز دید خارج این کار بفرستند و برویم بر سر چشمه آب کارون و درست رسیدگی کنیم و فیه بعضی مسائل تا اقدام شود چاکر با صفهان مراجعت کرد و از مهندس خبری نشد اینک نمائید مطالب جناب عالی را گویم این آب بر آب از آب و دخانه زاینده رود بیشتر است بعلاده آب آن هرگز خشک شدن ندارد و در سال خشکالی این بنده ملاحظه نمودم و دیدم که رود زاینده رود خشک بود و از آن چشمه نادر هزار سنگ آب جاری میشد و بمصرف بمت رود کارون و شط شوشتر میرفت و یقین جاری شدن این آب میتفیع مربع زمین را قابل کشت و زرع میکند و چندین دکه که و غرضه آباد میشود

و شما که تذوق نگاه میکنید حتی ریش زیاد و اباب عب میگرد و چیزی یا صورتی در نظر انسان محترم و صورتی بنماید که فوق عالم بشریت است و شخص که آن محتمه را می بیند نمیتواند خیال کند که صاحب این مثال شخصی بوده که مثل بازندگان میگرد و در قمار و حرکت میخورد و راه میرفت و بوضع معمول درین جهان قدم میزد و برای شخص محسوس میبود که اگر این سبیل جان داشت و حرف میزد البته کلمات بیخ حیرت افزای دهشت زان میگفت در میپاشید و گوهر میفت و این است معنی نیکی و عظمت در هنر و صنعت

میکنان برای مقبره ذول دویم محتمه های دیگر هم شروع نمود و در چند دو محتمه از آن کارهای شگرف تا تمام ماند باز معروف تمام جهان و اسباب حیرت ناظرین نخست دان شد از محتمه های مذکور یکی صورت و نفر سیر و معروف بمحتمه غلامان است و محتمه غلامان از بهترین کارهای آن مرد هنری محسوب میشود

از مکانی که آب سرازیر میگردد و اراضی قابل و باغات در زیر همان آب
موجود است و تاسی منسوخ مکن است آب جاری گردد و اطلاق بایر گردد
که زیر آن واقع شده و ابر سارزد دیگر از آنکه بسیار قابل که محل اجرای
قوات و شش و دیکه و آبادی میباشد جلگه سمنان است که از قصبه
سمنان تا آهوان اراضی را این خانه زاد دولت ابد مدت به وقت دیده میماند
که میتوان به پانزده رشته قنات در آن زمینها جاری نمود و شهری آباد
کرد که نظیر سلطان آباد عراق باشد نه آخر سلطان آباد نیشابیان بود
مردم سپیداران را آباد نمود جلگه سمنان از آنجا هم بهتر و صاف تر
و آب در تراست امکان دارد شهری در آن ناحیه با هم بایون
علی حضرت شانهایی خلد الله ملک بکند و آن را شش مظهری نامند و خود
خانه زاد برای انجام این خدمت حاضر است چه این کار را کباب رحمت
خلق شود و هر سزار با علم و کارگر بنان برپسند باعث طول عمر بایون
میگردد و بیکامی آن ابد الله هر سه باقی میماند

در روزنامه همین هفته از شلشوک و برج صد ری صفاان مرقوم فرموده بود
این مطلب ابرم فدوی دولت باعث شد م بزرگان را از شیراز آوردم
کاشتم و عمل آوردم و کم کم در بلوک لجان دنبال کرده بزرگداشت آن برداشتم
و زیاد شد و حالا باطراف میرند و نماز تراز بر بنجای خود شیراز است
در زمین اصفاان ابتدا میگفتند محال است این برج درین خاک عمل یاب
زیرا که پیش تخم آن آورده بودند و تحقیق و عالی و سر رشته کاشته بودند
و ضایع شده بود چون بنده بقاعده بزرگداشت آن دست زدیم و خوب شد
فینده کار را و توقف هم بخوابد و بی کوک و کلک نیست آن وقت پیروی کرد

و شد و خلاصه مطلب اینکه
نابره در پنج کیلومتر نمیشود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد
(اقل چاکران آستان بایون مصلح تملطه)
(ترکیب)

مطلب ازین صاف تر و ساده تر و بهتر نمیشود و هر چه فایده بخوابیم درین چند
سطر هست بشرط عمل کردن و بر ماست که همین کتب حقیقت مطلوب را در کتب
مخصوص یک دو مرتبه دیگر تکرار و تجدید نمایند مگر مورت تکرار و یاد آوری
کرد و نیت سجد و حاصلی دهد

(اجاز زمان و جنگ و روس و ژاپن)
از روز خورد و روس و ژاپن در شش ق قهی خبری نیست خبر اینکه چند روز پیش
گفتند ژاپن بسیار از طرف کره به سمت شمال بالا میروند و بولا دیوسنگ نزدیک
میشوند و حتی را که موسوم به کاکسونگ میباشد در سرحدات کره گرفته چند
هزار نفره روسی با توپخانه خود و از دیل عقب میروند

گفتگوی صلح هم معلوم نیست بجا رسیده چند روز قبل وزیر مختار ژاپن در
واشینگتن اظهار داشت که سفرای ژاپن در اول ماه او (آخر جادی
الاولی) به واشینگتن خواهند رسید و اگر دولت روس پس مایل باشد در
آن وقت مجلس سپهر منعقد خواهد شد

دولت فرانسه اظهار داشته که در باب عمل مراکش قبول مجلس خواهد کرد
بشرط اینکه اول بدانند چه مسائل در آنجا طرح میشود گویند اگر نه از دعوت
مجلس را قبول کنند انگلیس هم او را تأیید خواهد کرد
پرنس اریزدگا و شاهزاده ژاپنی به بزرگ رفته علی حضرت لوفت و پادشاه

در روزنامه پاریس میباشند یعنی وقتی میکلاژ ناخوش بود و یکی از بزرگان از دو توجده پرستاری نموده بفرستند محض ادای حق و تقاضای احسان محسن مجتبه علایان را با او
تقدیم کرده بدیده داده بکند بابت استاشا ص مختلف افتاده و عاقبت بموزه لودر و تاشا گاه تماشا نشان داد و سیاحان عالم معرفت رسیده
تا آن وقت کار میکلاژ عمده جاری بود اما پاپ که زول دویم باشد او را ابتعاشی هم داد و از نو و باید دانست که پاپ میکلاژ هم روز با هم نخواستند و گاه با
میان ایشان خلاف و اختلاف در میگرفت زیرا که زول دویم مردی پر شور و شوق و شخصی تند خو بود و توقع بود از آن طرف میکلاژ که بفرود صفت و بهر نهایت
و استغای طبی کمال داشت زیر بار باری نرفت و تخمین هر کاری نمیکرد چنانکه عاقبت از حبسه و ابتاع پاپ بنجیده مصمم شد که از شش روزم فرار کند و رفت
از آن یار بیرون بود و بهر ستم مطاعه کنندگان محترم میداند که در آن اوان از رضای پاپ که نشستن و از حوزه اقتدار او خارج شدن در تمام ممالک

تا کار راه آهن بر سر استیصال نهد این شاهزاده با مجلس هم خواهد رفت
و بعد آن دولت نیز تا کار راه آهن به استیصال نرسد و مغز می آید و تمام
احترامات نظامی و تشریفات زیاد برای او بعمل خواهد آمد
چون بودیه های در شوشنیده اند در آن دیوانی که بر جای می رود پس داد
بشود و شریک نیستند بر و صد آمد به سیجان و انقلابی دارند
در گذشته از بلاد استان قریب پنجاه هزار نفر به حمله در کوه با جمع شده اند
رقاری و سبیت قزاقها شکایت میکردند و دم استبداد میخوردند و ناگشتی
قزاق و سوار بر سر آنها ریخته اند و بجهت نفر از آنها کشته و قریب صد نفر از آنها
کشته اند تا خون را بخون بشویند

علی حضرت امپراطور روس مأمورین مستوبینی جمع قتی را پذیرفتند و خیلی مهربانی
با آنها نمودند و قسم نمودند که منم میباشم که انجمن قتی منعقد نمایم
این شرفیابی مأمورین مستوفی رفکمانه بوده یکی از آنها که شاهزاده میباشد
نیم ساعت در باب وضع خزن انگیز روسیه سخن گفته و علی حضرت امپراطور
خیلی متأسف شده و خسارت های عظیمه جنگ بحرانی آخری را ذکر کرده و فرموده
من بموارده در خیال انصاف و مجلس قتی میباشم و امید دارم از امروزم باقی
زستو ما در روسیه قتی با دولت مستوفی خود متفق شود مأمورین از این
شرفیابی خوشنودند و رعایا نیز شوق و امید دارند و این واقعه را در تاریخ
روسیه امری تازه و پسندیده مینمایند

(اعلان)

بر بابائی را بنیانی باید و بسنای دوا و ابر و ادارات از دولتی و تجاری
و غیره بگنجد استن حساب آنها باشد و نگا به داری حساب بعلوم و قدر داری است

و چون با ادارات بانگ و گم که درین شهر دایرند و جمیع کسبیم بسیم
اشخاص حساب دان از خارجیه بواسطه کراف آورده تا به قدر داری این
ادارات بپردازند و اگر همشهری های ما قدر داری میداند نصف جواب
آنها را ضعیف بودند و همان کار را کفایت نکند میخوندند مختصر تر
اداره و مرد و تاجر و هر مالدار ارباب داد و پست و غیره و قدر داری بخوانند
و خود محاسب مستغنی میگردد پس آموختن این علم شریف ایهت دارد
صورتی که تحصیل آن بیش از شش الی هشت ماه رحمت ندارد و در آید
چون بالطبع ادارات دایر خواهد شد و وجود اشخاصی که علم و قدر داری
داشته باشند بیشتر بکار است عجا از حسن اتفاق معلم مخصوص این
علم بظهور آمده و از قضا که در جواب خطاب اجل اکرم میر الملک
وزیر مختار دولت علیه ایران مقیم پس بطرز بزرگ و نام اقبال العالی و
ترغیب این مفرغ نموده اند در هر حال این اوقات معلم مشارالیه در مدرسه
دار لغتون در پس قدر داری میباید تحصیل این علم آسان شده و هر کس
بخواند با آن بزرگوار ملاقات کند اول در خیابان چراغ گاز در سنگ
جانب صحاف باشی مکن است ثانی در مدرسه دار لغتون ثبات
در کتب که روبروی دار لغتون میباشد (میر همیل)

(ایضا اعلان)

(پستافیل از دست دوائین)

محل غلیظی از مواد عامه مخمرات آب جو و انگور که در امراض ذیل بسیار
مفید و مجرب میباشد
برص و خراج اقسام درد گلو آتم پستگلو (از امراض جلدی)

صیوی مذهب خاقه ایطالیا کار آسانی نبوده و مثل میکلانژ هنرمندی این هنر بیست و نه بار
متوال میگردد صاحب هنر نمیکردند و آن طور که باید استرام او را منظور دارند و اندیشه میکلانژ غفله سفری شد معنی کاغذی تند و فصل باب نوشت
و شبانه از شهر بیرون رفت و دو ساعت بعد از نصف شب سوار اسی گشته کیفش را با نرود و فریخی شش رزم را ندیده است باب خشی الامکان دست از نرود
بر نیدار و دهر و سبله که باشد نیکدار و میکلانژ از دور شود و بی کار خود رود و راستی که باب هم چون از هنر اصنت کار خبر دارد و دید مغزش از خشم
بجوشید قاصد و مأمور پی در پی و علی التوالی از دنبال او فرستاد و آنها در بکده که میکلانژ توقف کرده با و رسیدند و قوت باب را با و دادند و باب در
نوشته خود از هنرمند استمال نموده مراجعت او را خواست که در بکده میکلانژ تشریف بازگشت در غدا و بغیر انس رفت و علی التوالی شد مثل اینکه ویات

فره سیصد و شصت و هشتم

(۱۸۶۴)

درم شب آورام زود و زکام شدید و حاد و تورم
درم احشا استومات (زخم شدن زبان و دهان) و خنثی
سخت یکی از خواص مخصوص سیاه فیل زرع کردن اتفاقات نایب و در
برنور و بطاسیوم است

سیاه فیل از وی دکتسه و این معالجه نگی نفس و خاق سینه و فصل
زمن و نخرش این در حالت بدخلیسی را کرده بعد از مدتی جبران لاغری میکند
سیاه فیل از برنوری دکتسه و این مؤثرترین دوائی امراض عصبانی است
در امراض صرع و لابی و اغا و بی اختیاری در اذرا و کفیه
در تمام مرضهای عصبانی مفید میباشد و در طهران مختص است بدوا
سیونولیون در خیابان لاله زار

(ایضا اعلان)

(تشک بوز و با پوست گنه و کاکا نو) تشک بوز و برای
بیمارترین متوی و مطبوع ترین اشراف است همه روز و طبای عالم آن را
در وقت خون پریدگی رنگت و همه نوع تب و امراض عصبانی و معده بوی
مسنایند این شراب مخصوصا برای ناقصین و اطفال ضعیف و زنی
کم جنبه و پیر مردان ضعیف میل مزاج بسیار مفید و نافع است
محل فروش در پاریس لو بود و کپانی نموده کوچ بزرگ لای
در طهران مختص است بدوا خانه سیونولیون در خیابان لاله زار

(ایضا اعلان)

کتاب کهنه نندی ترجمه و نگارش شده اقل که فضلی بزرگ آن است و
تقدیمهای بیغ در باب آن نموده و میتوان گفت علاوه بر اینکه

حکایتی شیرین و روانی و نشین است مشتمل بر مطالب مفیده و حکمتی
نموده میباشد در هر حال در کمال استیلاز طبع شده در خیابان
ناصریه در محله کتافروشی جناب آقای شیخ محمد حسن طهرانی بفروشد و برسد
قیمت پنج هزار دینار

(ایضا اعلان)

(شفای امراض لنوان بواسطه چهارتن تائیر)

در میان امراض چهارتن که عارض انسان میشود بعضی اختصاص لنوان دارد
و عده غرض با حالاتی است که همراه عارض میشود و گاهی بطوری در دناک
میباشد که حقیقه مرض محسوب میگردد دیگر امراضی که در حد و چهل سالگی
و ادجاء وضع حمل و قولنجانی که بعد از وضع حمل عارض شود

تأجل اطباء برای این امراض دوائی مؤثری نداشته و موادی که
بکار میبردند بی فایده یا مضربود این امراض حالا بواسطه کشف
چهارتن تائیر علاج میشود

چهارتن تائیر که در دواخانه فرانسوی سیونولیون در خیابان لاله زار طهران
بفروشد و دوائی است از درجه اول برای نوانی که همراه رنجور
میشود و در وضع حمل و دوچار مشکلات میگردد

مقدار خوراک آن روزی چهارالی شش قرص است یا هر قدر که
طیب تجویز کند

دواخانه سیونولیون ساله هم زبان فارسی برای طبایر تریب داده و شرح تجایی
که معتمد بزرگ پاریس در باره چهارتن تائیر کرده اند در آن ساله درج نموده
قیمت بطری بزرگ آن دوازده تومان

یا ایالتی از دست رفته و باید آن را دوباره بدست آورد و پسند را لا ینخل گذارند خلاصه پاپه بر غیر این تمهید میسود و میگفت اگر بیکل از ترانز من نفرتی
من با تو جنگ میکنم و ولایت فلان را از تو میگیرم و بعد و عید و تحویف و تهدید نمیکرد و حاصلی نداشت تا بعد از سه ماه که از طرف پاپه ضا
و استمال درستی از بیکل از منبل آمد و کامل بهر طبع ارضی شد و مجددا راه شهر روم پیش گرفت و اینجا برای هر دو نفر مندان کال افتخار و مستهای
میرفت میباشد که مثل پاپه قدرتیستری با مردمی عیسوی این رفتار و ولایت نماید بباره آخری باز او را بکشد یا با و تعلق نماید خلاصه بعد از آنکه پاپه
مدت شدت آنرا گذاشت و با بیکل از ترانز در مسه بانی و ولایت در آمد و میثای عیسویان کاتولیکی و حجاز فلانسی استی کردند و زول دویم بیکل از ترانز را امور کاری تازه
و خدمتی جدید نمود و تفصیل آنکار و خدمت از این شماره است
بقیه در شماره آتی انشا الله